

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شماره پایان نامه: ۹۲۲۲۹۱۱

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دکتری (PH.D)

رشته: زبان و ادبیات عربی

گرایش: زبان و ادبیات عربی

عنوان

بررسی سیر تحول تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر فارسی از نیمه قرن

سوم هجری تا پایان قاجاریه

استاد راهنما

دکتر غلامرضا کریمی فرد

استادان مشاور

دکتر محمود آبدانان مهدیزاده

دکتر منوچهر تشکری

دانشجو

علی آرامش پور

مهرماه ۱۳۹۲

تقدیم به همه کسانی که با نور دانش سایه جهل و تاریکی را از بین بردند و بار گران سختی‌ها و رنج‌ها را در راه فهمیدن و درک درست زندگی، تحمل کردند تا خود بیندیشند و کورکورانه قبول نکنند و مصداق (أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ) نباشند.

و به شهد شیرین زندگی‌ام، آرسام کوچولو که آغازش مصادف با پایان این پژوهش بود. به این امید که چراغ دانش را راهنمای کارش قرار دهد و بداند که:

توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

قدردانی و سپاس

در آغاز سخن از یگانه معلم جهانیان، آفریدگار پاک و مهربان، که در هر فراز و هر فرودی راه زندگی را نشانم داد و از سر لطف و عنایت، نعمت دانش را ارزانی‌ام داشت، سپاسگزارم.

اکنون که به یاری خداوند مهربان، مقطع دکتری را به پایان می‌رسانم، بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که در این راه یار و یاورم بودند، تشکر و قدردانی کنم.

ابتدا از زحمات بی‌دریغ و رهنمودهای ارزنده استاد فرزانه، جناب آقای دکتر غلامرضا کریمی فرد، استاد راهنمای این رساله کمال تقدیر و تشکر را دارم. همچنین از استادان گرامی و فاضل، آقایان دکتر محمود آبدانان مهدیزاده و دکتر منوچهر تشکری، که با سعه صدر زحمت مشاوره این رساله را بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌کنم. نیز از همه استادان عزیزی که در دانشگاه سبزوار و دانشگاه تهران و دانشگاه شهید چمران اهواز، افتخار شاگردی آنها را داشته‌ام و به من آموختند آنچه نمی‌دانستم، سپاسگزاری می‌کنم.

از پدر و مادر، خواهران و برادران عزیزم که در طول سالیان تحصیل، رنج و سختی‌های زیادی را تحمل کردند تا با آسودگی خیال، تحصیلاتم را تا آخرین مرحله دانشگاهی سپری کنم، کمال سپاس و تشکر را دارم. همچنین از همسر عزیزم که همواره یار و غمخوارم بودند و از خانواده ایشان که در زمان انجام این پروژه، بیشترین زحمات را کشیدند، تشکر فراوان دارم. در پایان از همه عزیزانی که در این راه مرا یاری کردند و به من لطف داشتند، به ویژه از کارکنان زحمت‌کش کتابخانه دانشکده الهیات، سپاسگزارم.

چکیده

نام خانوادگی: آرامش پور	نام: علی	شماره دانشجویی: ۸۸۲۲۹۰۲
عنوان پایان نامه: بررسی سیر تحول تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر فارسی از نیمه قرن سوم هجری تا پایان قاجاریه		
استاد راهنما: دکتر غلامرضا کریمی فرد		
اساتید مشاور: دکتر محمود آبدانان مهدیزاده – دکتر منوچهر تشکری		
درجه تحصیلی: دکتری	رشته: زبان و ادبیات عربی	گرایش: زبان و ادبیات عربی
دانشگاه: شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات	گروه: زبان عربی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۲/۷/۲۹	تعداد صفحه: ۲۵۵	
کلید واژه ها: زبان عربی، نظم و نثر فارسی، اثر پذیری		
<p>پیوند و ارتباط زبان عربی و زبان فارسی، قدمتی دیرینه دارد؛ پیوندی که گویا پیش از اسلام وجود داشته و با ورود اسلام به ایران و هم زمان با طلوع نخستین آثار ادب فارسی در قرن های سوم و چهارم هجری شروع شده و تاکنون ادامه دارد. این دو زبان، ارتباطی دو سویه با هم داشته اند؛ اما در این میان، سهم تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی به مراتب بیشتر بوده است؛ چنانکه اوج تأثیر پذیری زبان فارسی از زبان عربی را می توان در قرن های هفتم و هشتم و در سبک موسوم به عراقی مشاهده کرد. بزرگان ادب فارسی در همه ادوار گذشته به شیوه های مختلف از زبان عربی تأثیر پذیرفته و آثار ادبی خود را به نقش و نگار واژگان، اشعار و امثال عربی آراسته اند. نظر به اهمیت دستیابی به سیر صعودی و نزولی تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر فارسی، در این رساله سعی شده تا سیر این تحول، از نیمه دوم قرن سوم هجری تا پایان حکومت قاجاریه، بر اساس مولفه های مختلف زبان عربی، شامل آیات و احادیث، اشعار عربی، واژگان و تأثیرات مضمونی و کاربردی، تحلیل و بررسی شود. روند یاد شده، از دوره سامانیان و غزنویان شروع می شود و تا اواخر قاجاریه ادامه می یابد. در این رساله از میان اشعار و متون زبان فارسی در ادوار ادبی گذشته، بخش های متنوعی از آثار بزرگان هر دوره، گزینش و نشانه های این تأثیر و عوامل اثر گذار سیاسی و اجتماعی در آن، تبیین شده است. یافته های این جستار، نشان می دهد زبان فارسی در همه ادوار حیات خود، به شکل گسترده ای از زبان عربی تأثیر پذیرفته است. این تأثیر پذیری در دوره های مختلف و بسته به اوضاع سیاسی و اجتماعی، فراز و فرودهایی داشته است. استفاده شاعران و نویسندگان فارسی زبان از مولفه های زبان عربی، دلایلی چند داشته که مهم ترین این دلایل، اظهار فضل شاعر و نویسنده فارسی زبان و تفاخر به عربی دانی و گاهی نیز از سر تفنن می باشد؛ شاهد آن که در بسیاری از موارد با حذف این مولفه ها، آسیب چندانی به معنای نثر یا شعر فارسی وارد نمی شود.</p>		

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	۱. مقدمه.....

الف) بیان مسأله / ب) سوالات تحقیق / ج) پیشینه تحقیق / د) ساختار و فصل‌ها / ه) روش کار و منابع

فصل اول : مفاهیم و کلیات

۷.....	۱-۱- درآمدی بر تاریخ ادبیات فارسی قبل از اسلام.....
	خط میخی و کتیبه‌های دوره هخامنشی / ادبیات پهلوی / آثار زبان پهلوی / شعر در دوره ساسانی
۱۱.....	۱-۲- ارتباط دو جانبه زبان عربی و زبان فارسی.....
	روابط ایرانیان و اعراب قبل از اسلام / دلایل تأثیر گذاری گسترده زبان عربی بر زبان فارسی / تأثیر پذیری زبان عربی از زبان فارسی / از شعوبی گری ایرانیان تا شکوفا کردن زبان عرب / نام آوران ایرانی در عرصه علم و ادب عربی

فصل دوم: تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر فارسی (از میانه قرن سوم تا آغاز صفویه)

۱۸.....	۲-۱- صفاریان و سامانیان.....
	سامانیان و زبان فارسی / اثرپذیری زبان فارسی از زبان عربی در دوره صفاریان و سامانیان
۲۰.....	۲-۲- غزنویان (۳۴۴ هـ.ق. / ۵۸۳ هـ.ق.).....
	ادبیات فارسی در دوره غزنویان / شاخص های اثرپذیری از زبان عربی در دوره غزنوی
۲۳.....	۲-۳- سلجوقیان و خوارزمشاهیان.....
۲۴.....	۲-۴- از حمله مغول تا آغاز صفویه.....
	اوضاع ادبیات فارسی و اثرپذیری از زبان عربی، از سلجوقیان تا صفویان
۲۵.....	۲-۵- مشاهیر نظم و نثر فارسی از نیمه قرن سوم تا آغاز صفویه.....
	دوره سامانی و غزنوی / دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان / دوره مغول تا آغاز صفویه
۲۶.....	۲-۶- مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار زبان عربی بر نظم و نثر فارسی در این دوره ها:.....

- ۶-۱- رسم الخط عربی..... ۲۶
- ۶-۲- تأثیر قرآن کریم و حدیث شریف در نظم و نثر فارسی ۲۶
- تأثیر قرآن و احادیث در شعر فارسی این دوره ها/تأثیر قرآن و حدیث در نثر فارسی (تا قبل از دوره صفویه)
- ۶-۳- تأثیر مضمونی و کاربردی زبان عربی در زبان فارسی..... ۳۴
- مدح / رثا/ فخریّه / هجا/ وصف/ زهد، عرفان و مواعظ اخروی
- ۶-۴- کاربرد اشعار عربی در نثر فارسی..... ۶۲
- ۶-۵- اثر پذیری زبان فارسی از بلاغت و آرایه‌های ادبی عربی..... ۶۴
- ۶-۶- اثرپذیری عروض فارسی از عروض عربی..... ۶۵
- ۶-۷- عربی نویسی و عربی سرایی تا اوایل دوره صفویّه..... ۶۶
- ۶-۸- آشنایی فارسی زبانان با شخصیت‌های ادبی و فرهنگی عرب..... ۶۹
- ۶-۹- حکمت و امثال عربی در نظم و نثر فارسی..... ۷۲
- ۶-۱۰- کاربرد ساخت های دستوری زبان عربی در نظم و نثر زبان فارسی تا قبل از صفو..... ۷۶
- اصطلاحات، جملات و عبارات عربی/ مضاف و مضاف الیه/ مصادر ثلاثی مزید/ جمع‌های مکسر
- ۶-۱۱- واژگان عربی در زبان فارسی: (از قرن سوم تا آغاز صفویه)..... ۷۹
- واژگان عربی در اشعار منتخب این دوره‌ها/ واژگان عربی در متون منتخب منشور این دوره‌ها

فصل سوم: تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر عصر صفوی

- ۳-۱- گزارش تاریخی..... ۹۰
- جان‌شیران شیخ صفی الدین اردبیلی/ شاه اسماعیل صفوی اولین پادشاه رسمی سلسله صفوی/ شاه عباس کبیر و اقتدار دولت صفوی/ سقوط حکومت صفوی
- ۳-۲- اوضاع فرهنگی و ادبی دوره صفوی..... ۹۳
- زبان عربی و عوامل گسترش آن در دوره صفوی/ مقایسه‌ای کلی میان زبان فارسی دوره صفوی با زبان عربی در عهد همتای خود
- ۳-۳- آشنائی با برخی از مشاهیر علم و ادب عصر صفوی..... ۹۷

- ۳-۴- اثرپذیری ادبیات فارسی از ابعاد مختلف زبان عربی در عصر صفوی..... ۱۰۲
- ۴-۱- اثرپذیری از قرآن کریم و حدیث شریف در نظم و نثر دوره صفویه..... ۱۰۲
- ۴-۲- اثرپذیری ادبیات دوره صفوی از مضامین ادبیات عربی..... ۱۰۷
- مدح / رثا / خمریه: (شعر شراب) / وصف / فخریه
- ۴-۳- عربی نویسی و عربی سرایی..... ۱۲۲
- عربی سرایی / عربی نویسی
- ۴-۴- تذکره نویسی در زبان فارسی، به تقلید از زبان عربی در دوره صفویه..... ۱۲۶
- ۴-۵- آشنایی شاعران و نویسندگان این دوره با ادبیات و فرهنگ عربی..... ۱۲۸
- ۴-۶- استفاده از ماده تاریخ به پیروی از زبان عربی..... ۱۲۹
- ۴-۷- نام گذاری کتاب‌های این دوره به زبان عربی..... ۱۳۱
- ۴-۸- کاربرد امثال عربی در این دوره..... ۱۳۲
- ۴-۹- کاربرد ساخت‌های دستوری، زبانی و لغوی عربی در زبان فارسی عصر صفویه..... ۱۳۵
- مصادر عربی در نثر فارسی / مضاف و مضاف الیه / اصطلاحات، جملات و عبارات عربی
- ۴-۱۰- واژگان عربی در نظم و نثر این دوره..... ۱۳۷
- واژگان عربی در اشعار منتخب این دوره / واژگان عربی در متون منتخب مشهور این دوره
- فصل چهارم: تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر دوره افشاریه و زندیه**
- ۴-۱- پایان حکومت صفویان و آغاز حکومت افشاریان..... ۱۴۳
- ۴-۲- زندیه..... ۱۴۴
- ۴-۳- اوضاع ادبیات در دوره‌های مذکور..... ۱۴۵
- شعر فارسی در دوره بازگشت ادبی / نثر فارسی در دوره افشاریه و زندیه / جایگاه زبان عربی در نظم و نثر دوره بازگشت
- ۴-۵- آشنایی با برخی از شعرا و نویسندگان دوره‌های افشاریه و زندیه..... ۱۴۸
- ۴-۶- قرآن و حدیث در نظم و نثر این دو دوره..... ۱۵۰
- قرآن و حدیث در شعر / قرآن و حدیث در نثر

۴-۷- اثرپذیری از مضامین شعر عربی..... ۱۵۳

۴-۸- عربی سرایی و عربی نویسی..... ۱۵۸

عربی سرایی / عربی نویسی میرزا مهدی خان در درّه نادره

۴-۹- ماده تاریخ سازی شاعران فارسی زبان در این دو دوره..... ۱۶۲

۴-۱۰- آشنایی با شخصیت های ادبی و فرهنگی عرب..... ۱۶۳

۴-۱۱- کاربرد امثال عربی..... ۱۶۴

۴-۱۲- کاربرد زبانی و ساخت های دستوری زبان عربی در دو دوره افشار و زندیه..... ۱۶۴

کاربرد مصدرهای عربی / کاربرد مضاف و مضاف الیه / اصطلاحات ، جملات و عبارات عربی /
جمع های مکسر / سایر مؤلفه های دستوری زبان عربی

۴-۱۳- کاربرد واژگان عربی در نظم و نثر این دو دوره (افشاریه و زندیه)..... ۱۶۷

واژگان عربی در اشعار منتخب این دو دوره / واژگان عربی در متون منتخب منثور این دو دوره

فصل پنجم: تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر دوره قاجاریه

۵-۱- گزارش تاریخی..... ۱۷۲

۵-۲- فضای فرهنگی و ادبی در عصر قاجاری..... ۱۷۲

چهره های شاخص ادبی در این عصر / جایگاه زبان عربی در نظم و نثر این دوره / وجوه اشتراک
زبان و ادبیات عربی با زبان و ادبیات فارسی در این برهه

۵-۳- کاربرد قرآن و حدیث در دوره قاجاریه..... ۱۸۰

۵-۴- اثرپذیری از مضامین شعری ادبیات عربی..... ۱۸۳

مدح / وصف / رثا / فخر / اشعار تعلیمی و زاهدانه / وصف

۵-۵- عربی نویسی و عربی سرایی در دوره قاجاریه..... ۱۹۳

عربی سرایی / عربی نویسی در این دوره

۵-۶- تضمین اشعار عربی در نظم و نثر این دوره..... ۱۹۶

۷-۵- اصطلاحات صرفی، نحوی و بلاغی در شعر این دوره..... ۱۹۸

۸-۵- آشنایی شاعران و نویسندگان این دوره با فرهنگ و ادبیات عرب..... ۱۹۹

۹-۵- ماده تاریخ سازی ۲۰۱

۱۰-۵- کاربرد امثال عربی در نظم و نثر این دوره..... ۲۰۲

۱۱-۵- کاربرد زبانی و ساخت های دستوری زبان عربی در نظم و نثر این دوره..... ۲۰۳

اصطلاحات، عبارات و جملات عربی / جمع مکسر / مضاف و مضاف الیه / مصادر

۱۲-۵- واژگان عربی در نظم و نثر دوره قاجاریه..... ۲۰۶

واژگان عربی در اشعارمنتخب این دوره / واژگان عربی در متون منتخب مشور این دوره

۱۳-۵- جریان سره نویسی و تلاش ناکام روشنفکران برای اصلاح رسم الخط فارسی..... ۲۱۳

پیشینه سره نویسی و عربی زدایی در زبان فارسی / آغاز تلاش ها در دوره معاصر / زمینه های سره نویسی و عربی زدایی / آرای برخی از پیشگامان جنبش سره نویسی

نتیجه : ۲۲۲

ملخص الاطروحة باللغة العربية..... ۲۲۴

منابع..... ۲۴۲

Abstract 255

۱- مقدمه

الف) بیان مسأله

همه زبان‌های زنده دنیا برای ادامه حیات و رشد و پویایی، ناگزیر از وام‌گیری از دیگر زبان‌ها هستند. زبانی که گویش و رانش با دیگر ملل ارتباطی نداشته باشند و خون تازه‌ای در رگ هایش جاری نکنند، دیری نمی‌پاید که یا فراموش می‌شود یا محدوده واژگان و اصطلاحات آن روز به روز تنگ‌تر و در نتیجه بی‌مایه و منزوی‌تر خواهد شد.

زبان فارسی در دوره‌های قبل از اسلام، دارای گستره واژگانی خاصی بود که به مرور زمان و با تغییرات و تحولات سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی به ویژه ورود اسلام به ایران، دایره واژگان آن، گستره جدیدتری پیدا کرد و تأثیر فراوانی از زبان عربی پذیرفت. این اثر پذیری، تنها در حوزه واژگان نبود؛ بلکه در مقیاسی بزرگتر، شاعران و نویسندگان فارسی زبان، مضامین شعر و ادب عربی را نیز وارد زبان خود کردند و آثار منظوم و منثور خویش را به زیور آیات قرآن، احادیث شریف، امثال و اشعار عربی آراسته‌اند. «ذبیح الله صفا» در این رابطه می‌گوید: «در همین اوان اشتغال ایرانیان به زبان و ادب عربی به نحو روز افزونی رایج بود و صاحب طبعان ایرانی سرگرم آزمایش طبع خود در شعر عربی بودند»^۱

از دیگر سو، زبان فارسی نیز، هم در پیش از اسلام و هم پس از آن، بر زبان عربی تأثیر بسیار گذاشته است و این ارتباط در طول زمان بی‌شک بر غنای آن‌ها کمک کرده و دایره واژگان، ترکیبات و جملات هر دو را وسیع‌تر نموده است؛ شایان ذکر است تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی به ویژه در حوزه واژگان به مراتب بیشتر است.

میل به استفاده از واژگان، مضامین شعری، و استشهاد و اقتباس از آیات قرآن کریم، از قرن پنجم به بعد روز به روز بیشتر شد. با پیدایش سبک مصنوع و متکلف، عربی‌گرایی به اوج خود رسید و این جریان تا دوره قاجاریه هم چنان ادامه داشت؛ در این دوره نیز نویسندگان و شاعران

^۱ - ذبیح الله صفا. تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۵۴، ص ۳۴

مشهور به دلایل زیادی از جمله اظهار برتری نسبت به دیگران، زبان عربی را به اشکال گوناگون در آثار خود به کار می‌گرفتند و از آن تأثیر می‌پذیرفتند.

با توجه به اهمیت اطلاع از روابط فرهنگی ملل مختلف از رهگذر آثار ادبی، ارتباط هزار ساله دو زبان عربی و فارسی، آشنایی دانش پژوهان هر دو زبان با شیوه‌های این ارتباط در قرون متمادی، این پژوهش تلاش می‌کند شیوه تأثیرات مضمونی و کاربردی زبان عربی را بر نظم و نثر ادوار مختلف زبان فارسی بررسی و تحلیل کند.

(ب) سوالات تحقیق

پژوهش پیش رو می‌کوشد به طور ضمنی به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- اثر گذاری زبان عربی بر نظم و نثر فارسی در ادوار گذشته، شامل چه مواردی و در چه زمینه‌هایی بوده است؟

۲- چه عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی در این زمینه اثر گذار بودند؟

۳- در هر دوره، بیشترین اثر گذاری مربوط به کدام یک از مولفه‌های زبان عربی بوده است؟

۴- آیا زبان فارسی بدون اثر پذیری از زبان عربی، سست و بی‌مایه است؟

(ج) پیشینه تحقیق

در زمینه تأثیر زبان عربی بر ادبیات فارسی، به صورت موردی، کتاب‌ها و مقالات زیادی به چاپ رسیده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- دکتر جواد سعدون زاده در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر شعر عربی پیش از اسلام بر مضامین شعر فارسی»^۱ به بررسی شیوه‌های تأثیر پذیری شعر فارسی از شعر عربی پرداخته است. وی در این

^۱ جواد سعدون زاده، «تأثیر شعر عربی پیش از اسلام بر مضامین شعر فارسی» نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س. ۱. ش. ۲. کرمان، س. ۱. ش. ۲. ۱۳۸۹.

پژوهش، مضامین شعر عربی مانند وصف، مدیح، و رثا را با نمونه‌هایی از شعر فارسی تطبیق داده است.

۲- شیرزاد طایفی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر متقابل زبان عربی و فارسی در قرون نخستین هجری»^۱ تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی را از زاویه‌ای مثبت ارزیابی کرده است و آن را باعث شکوفایی ادبیات فارسی و وحدت زبانی ایرانیان، به دلیل استفاده از خط و زبان عربی می‌داند.

۳- محمد عمر دود پوتا، نویسنده «هندی الاصل»، در کتابی با عنوان «تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی»^۲ اشعار معادل فارسی و عربی را که دارای مضامین مشترک هستند، به صورت موضوعی بررسی کرده است.

۴- دکتر خسرو فرشیدورد در کتاب «عربی در فارسی»^۳ تأثیر و کاربرد ساختار دستوری زبان عربی را در زبان فارسی، از جنبه‌های صرفی و نحوی بررسی کرده است.

۶- دکتر محمد دامادی در کتاب «مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی»^۴ به بررسی همه جانبه درون مایه های مشترک ادبی در هر دو زبان پرداخته است.

هیچ کدام از پژوهش‌های یاد شده به سیر تأثیر زبان عربی در نظم و نثر فارسی به شیوه کلی، نپرداخته است و به نظر می‌رسد که این پژوهش، کاوشی نو در این زمینه باشد.

^۱ - شیرزاد طایفی، «بررسی تأثیر و تأثر متقابل زبان عربی و شعر فارسی در قرون نخستین هجری» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، س ۱۸، ش ۶۷، ۱۳۸۹.

^۲ - عمر محمد دودپوتا، تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی، ترجمه دکتر سیروس شمیسا، چاپ اول، نشر صدای معاصر، تهران، ۱۳۸۲.

^۳ - خسرو فرشیدورد، عربی در فارسی. چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

^۴ - محمد دامادی، مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۱.

د) ساختار و فصل ها

این پژوهش دارای پنج فصل است که هر کدام از این فصول -به جز فصل اول- به بررسی تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر فارسی در دوره‌های خاصی می‌پردازد. در فصل اول کلیاتی درباره زبان فارسی پیش از اسلام و تاریخچه و دلایل ارتباط آن با زبان عربی، مطالبی ارائه شده است.

در فصل دوم، پس از بررسی فضای سیاسی- اجتماعی قرن‌های سوم تا نهم، نمونه‌هایی از شیوه اثر پذیری زبان فارسی از زبان عربی در ابعاد مختلف مانند: قرآن و حدیث، اشعار عربی، عربی نویسی و عربی سرایی، آشنایی با فرهنگ عربی، واژگان عربی و کاربرد دستوری زبان عربی شامل جار و مجرور، جمع‌های مکسر، مصادر عربی، امثال عربی و... ارائه شده است. از آنجا که ادبیات در این قرن‌ها به ادبیات کهن یا کلاسیک مشهور است؛ همگی در یک فصل آورده شدند. فصل سوم نیز به بررسی سیر این تأثیر بر اساس مولفه‌های یاد شده در نظم و نثر دوره صفوی اختصاص داده شده و شرح حال مختصری نیز از چهره‌های شاخص ادبی و علمی این دوره ارائه شده است.

فصل چهارم این رساله نیز به روال گذشته، به دو دوره کوتاه زند و افشار می‌پردازد و روند تأثیر پذیری از زبان عربی را در آثار دوره بازگشت ادبی نشان می‌دهد.

فصل پنجم که فصل آخر این رساله می‌باشد؛ موارد یاد شده را به شیوه فصل‌های گذشته، در دوره قاجاریه نشان می‌دهد. در این فصل مبحثی به نام جنبش سره نویسی و ایجاد زبان پاک نیز پیرامون نظرات روشنفکران عصر مشروطه آورده شد.

شیوه کار و منابع

در این رساله سعی شده در زمینه‌های مختلف، نمونه‌هایی از نظم و نثر همه ادوار زبان فارسی و از آثار متفاوت، انتخاب شود تا تنوع منابع برقرارگردد و سیر تحول تاثیر زبان عربی در نظم و نثر فارسی، در گذشت سال‌های مختلف، به درستی تبیین شود. شاهدهایی که در زمینه مولفه‌های مختلف زبان عربی انتخاب شده است به صورت مفید و مختصر است و توازن لازم بین آنها برقرار شده است. در این رساله از منابع کهن زبان فارسی، نسخه‌های خطی، دیوان‌های شاعران عربی و فارسی، کتب تاریخی، مقاله‌های مختلف و کتاب‌های تالیفی جدید استفاده شده است. پژوهش حاضر کاری جدید در زمینه تاثیر زبان عربی بر نظم و نثر فارسی است که علاوه بر دانشجویان زبان و ادبیات عربی، برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و همه دانش پژوهان و علاقه‌مندان به این دو زبان کهن مفید می‌باشد. این پژوهش حاصل دو سال کار شبانه روزی است که با مطالعه و بررسی صدها اثر فارسی و عربی و تطبیق آنها و تعیین زوایای مشترک این آثار، زیر نظر اساتید گرانقدر، جناب آقای دکتر غلامرضا کریمی فرد، استاد راهنما و آقایان دکتر محمود آبدانان مهدیزاده و دکتر منوچهر تشکری، استادان مشاور، به انجام رسید.

فصل اول: مفاهيم وکليات

۱-۱- درآمدی بر تاریخ ادبیات فارسی قبل از اسلام

ادبیات فارسی در طول قرن‌های پیش از ورود اسلام به ایران آغاز و پایانی ناشناخته دارد و مورخان و پژوهشگران ادبی به دلیل نقاط تاریک تاریخ روزگاران گذشته، نمی‌توانند زوایای این امر را به درستی روشن نمایند؛ ولی با توجه به آثار اندکی که از آن دوران باقی ماند، و بر اساس شواهد و مدارکی مانند کتیبه‌ها، نقاشی‌ها، و کتاب‌هایی مانند گات‌ها و ... به این نکته پی برده‌اند که بر اساس این آثار اندک، می‌توان به درستی دریافت که ایرانیان دارای آثار مکتوب منظوم و منثور بوده‌اند و سیستم اداری سیاسی آن دوران نیاز به مراسلات اداری سیاسی داشته است. دکتر معین در جلد اول لغت‌نامه می‌گوید «مهم‌ترین مدارکی که از زبان پارسی باستان در دست است، کتیبه‌های شاهنشاهی هخامنشی است که قدیمی‌ترین آنها متعلق به «آریارمنه» (aryaramna) پدر جد داریوش بزرگ (حدود ۶۱۰-۵۸۰ ق.م) و تازه‌ترین آنها از اردشیر سوم (۳۵۸-۳۳۸ ق.م) است.»^۱ نژاد ایرانیان منشعب از نژاد هند و اروپایی هستند که در سالیان دور به فلات ایران مهاجرت کرده‌اند. «دسته اول پس از ورود به سرزمین سند نام قبیله خود را که آریا (Arya) بود بر سرزمین تازه نهاد و آن را آریاورتا (Aryavarta) نامید یعنی سرزمین قوم آریا، و کلمه آریان (Aryan) با لفظ ایران کاملاً متناسب است.»^۲

گروه‌های مختلف نژاد آریا دارای زبان‌های متفاوتی بودند و با لهجه‌های متفاوتی نیز صحبت می‌کردند که از این میان می‌توان به لهجه‌های «مادی»، «اوستائی»، «پارسی»، «پهلوی» و «دری» اشاره کرد.

پژوهشگران اولین و قدیمی‌ترین لهجه ایرانی را اوستایی می‌دانند، کتاب «اوستا» و بخش گات‌های آن نیز اولین اثر مکتوبی است که قدمت آن به هزار سال قبل از میلاد بر می‌گردد. اوستا

^۱- محمد معین، فرهنگ فارسی معین، به اهتمام محمود نامنی، چاپ اول، انتشارات نامن، تهران، ۱۳۸۵، جلد ۱، ص ۸

^۲- جلال الدین همایی، تاریخ مختصر ایران، مختصر ادبیات ایران، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چاپ دوم، موسسه نشر هما، تهران،

کتاب مقدس زرتشتیان است که به وسیله زرتشت پیغمبر نوشته شده است؛ این کتاب شامل پنج فصل جداگانه است:

۱- یسنا ۲- یشتها ۳- ویس پرد ۴- خرده اوستا ۵- وندیدا

خط میخی و کتیبه‌های دوره هخامنشی

در دوره پادشاهی هخامنشیان که منظم‌ترین سیستم اداری نظامی دوران کهن به حساب می‌آید؛ زبان و خط فارسی قدیم رواج پیدا کرد. آنان برای ارتباط با بخش‌های مختلف حکومتی، از خط و نوشتار استفاده می‌کردند و پیام‌های خود را به وسیله کتیبه (لوح) به مردم ابلاغ می‌نمودند. «کتیبه‌هایی از دوره هخامنشی در اَبِنیه قدیمی ایران باقی مانده است که به زبان فارسی قدیم نوشته شده، از روی این کتیبه‌ها و اشیاء و آثار قدیمه دیگر (از قبیل گلدان‌ها و مهرها) زبان فرس قدیم کشف گشته است.»^۱

کتیبه‌های دوره هخامنشی با خط میخی نوشته می‌شد. این خط تا قرن ۱۸ میلادی ناشناخته بود «در قرن ۱۸ میلادی یکی از دانشمندان آلمان بنام «گروته فند» «Grotefend» بزحمت زیاد و با روش عجیبی توانست چند حرف از الفبای میخی را کشف کند؛ بعد از او تحقیقات ایران شناسان در باب این خط و قرائت آن آغاز شد و اشخاصی از قبیل «لاسن» «Lassen» و «بورنف» «Burnof» و «رولین سن» «Rolinsen» در خواندن کتیبه داریوش زحمات زیادی متحمل شدند و سرانجام توانستند تمام حروف الفبای میخی ایرانی را کشف کنند و کتیبه بیستون داریوش را بخوانند»^۲

ادبیات پهلوی

اگر چه آثار مربوط به دوره‌های پیشین ادبیات ایران بسیار اندک و در پاره‌ای موارد آمیخته با افسانه است، اما در دوره ساسانیان وضعیت ادبیات به گونه‌ای دیگر است و قضاوت درباره آن مستند به اسناد به جای مانده از آن دوران است. «پهلوی ساسانی که کتب و رسالات زیادی از آن در دست داریم و کتیبه‌های ساسانی همه بدان زبان نوشته شده و زبان رایج عصر ساسانیان بوده

^۱ - جلال الدین همایی، تاریخ ادبیات ایران، چاپ سوم، کتابفروشی فروغی، تهران، بی تا، جلد ۱ و ۲، ص ۱۰۶

^۲ - همایی، تاریخ مختصر ایران، ص ۱۲

است و لهجه جنوب غربی ایران در آن غالب است، و به لغاتی نیز از پهلوی اشکانی آراسته است و این لغات همانها است که بوسیله تشکیلات دولتی و مذهبی و لغات علمی از اشکانیان به ساسانیان به میراث رسیده است»^۱

«خط پهلوی دارای ۱۸ علامت و ۲۵ صورت است و از راست به چپ نوشته می شود. خط پهلوی مأخوذ است از خط آرامی که از طوایف سامی بودند و از دوره اشکانی به بعد همواره از آنان در دربار پادشاهان برای دبیری و نویسندگی استفاده می شد»^۲

آثار زبان پهلوی

کتیبه‌ها مهم‌ترین آثار بر جای مانده از زبان پهلوی شمالی هستند و به گفته استاد همایی، «دو کتاب به اسم «یادگار زرین» و «درخت آسوریک» از این دوره باقی مانده است که هر دو منظوم هستند، اما از آثار پهلوی جنوبی یا پهلوی ساسانی مطالب زیادی در دست داریم و از جمله آنها می توان به کارنامه «ارتخشتر پاپکان» یا همان کارنامه اردشیر بابکان و کتاب های دینی زیادی اشاره کرد. آثار این دوره بیشتر راجع به مسائل مذهبی هستند؛ مانند:

- ۱- بندهشن ۲- کتاب دینکرت ۳- شایست ناشایست ۴- ارداویراف نامه
- ۵- شترستانهای ایران: شهرستان های ایران، ۶- اندرزوزرگ میتر بختگان: اندرز برزگمهر بختگان
- ۷- ندرز خسرو گواتان: اندرز خسرو پسر قباد ۸- گنج شایگان ۹- گجشک ابالیش: خجسته روح»^۳

پژوهشگر زبان و ادبیات با نگاهی ژرف در آثار یاد شده، به این نکته پی می برد که کمبود وسایل کتابت، گذر زمان و حمله اقوام مهاجم به ایران، هیچ کدام عاملی نمی شود که میراث ادبی کهن ایرانیان را نایده بگیریم؛ بلکه اعتقاد راسخ ما را به وجود ادبیات و فرهنگی شکوفا در آن دوران دو چندان می کند. خط و زبان پهلوی تا قرن‌ها بعد از ظهور اسلام نیز در میان ایرانیان به ویژه طبقه روحانیون زرتشتی رواج داشته و ترجمه آثار پهلوی به زبان عربی خود دلیلی محکم بر

^۱-ملک الشعراء بهار، سبک شناسی، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۲۵۳۵، جلد اول، صص ۱۱۳ و ۱۱۴

^۲-جلال الدین همایی، تاریخ مختصر ادبیات ایران، ص ۱۴

^۳-همان، ص ۱۶ و ۱۷

ارزش ادبی و معنوی این آثار است. «عبدالله ابن مقفع» (۱۴۲/۱۰۴ق) دانشمند بزرگ ایرانی کتابهای بسیاری از این زبان، به عربی ترجمه کرده است که از جمله آنها می‌توان به خداینامک (خدای نامه) و کتاب (التاج)، کتاب (کليلة و دمنه)، (ادب کبیر و ادب صغیر)، اشاره کرد. «در ادبیات پهلوی یکی از ارکان بسیار مهم، داستان سرایی و افسانه پردازی بوده است و این ذوق افسانه سازی که در میان بیشتر شعرای بزرگ ایران بوده است، دنباله همان ذوق ادبای ایران در زمان ساسانی است و حتی بعضی از داستان‌های معروف ما از قبیل «وامق و عذرا» و «ویس و رامین» و «اسکندر نامه» و «سلامان و ابسال» و «شیرین و فرهاد...» و تمام داستان‌هایی که از حکایات کوچک شاهنامه تولید شده مانند «گرشاسب نامه» و «بهمن نامه» و «رستم نامه» و «سام نامه» و «شهریار نامه» و غیره یا مستقیماً در زبان پهلوی نوشته شده بود و یا اینکه از یونانی و سریانی و غیره به پهلوی ترجمه کرده بودند و از پهلوی به زبان فارسی درآمده است»^۱

شعر در دوره ساسانی

شعر پیش از اسلام به مانند شعر پس از اسلام سازمان یافته نیست و وزن عروضی و ترتیب مشخصی ندارد؛ ولی دارای آهنگ و موسیقی خاصی است که می‌شود آن را با موازین عروض کنونی سنجید. قدیمی‌ترین شعر در دوره‌های گذشته، «گات‌های زرتشت» است و بعد از آن اشعاری است با عنوان «سرود خسروانی» که در حضور شاهان خوانده می‌شد؛ این نوع شعر قافیه‌ای نداشت و در حقیقت طلیعه شعر موزون در ایران است.

چامه یا غزل که به آن چکامک نیز می‌گفتند، سروده‌هایی مبتنی بر داستان‌های پهلوانان و داستان‌های عاشقانه است. «استعمال لفظ چامه که بعضی گویند مخفف چکامه است در مورد عشق بازی پادشاهان با شرح پهلوانی پهلوانان مکرر آمده است... نمونه چکامه‌های زمان ساسانی دو بیتی‌هایی است که بعدها به بحر «هزج مسدس»، بر وزن «مفاعیلن، مفاعیلن» ساخته شده است و هنوز هم در میان ترانه‌های محلی دو بیتی‌هایی به این بحر زیاد دیده می‌شود»^۲.

^۱-سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۳ و ۱۴

^۲-جلال الدین همایی، مختصر ادبیات ایران، ص ۱۷